

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ مارچ ۲۰۲۰

ادامه معاهده ننگین "گندمک" در موافقتنامه صلح "طالب-امریکا"

شنبه- ۱۰ حوت ۱۳۹۸ - کابل: مهمترین خبر امروز به ارتباط افغانستان در داخل و خارج از کشور، امضای دو توافقنامه یکی توافقنامه صلح امریکا با طالبان و دیگری صدور اعلامیه مشترک دولت دست نشانده با ناتو بود. از آن جایی که متن موافقتنامه "صلح بین طالب و امریکا" در دسترس نیست، لذا یادداشت امروز را با یک تذکر کوتاه به ارتباط همان بخش از موافقتنامه که افشاء شده است، شروع نموده می پردازم به بخش دیگری از معادله که با تأسف کمتر مورد توجه قرار گرفته است:

۱- از نظر من به ارتباط دو نکته ای که تا حال از موافقتنامه صلح بین امریکا و طالب افشاء شده، این توافقنامه با هر میزان سروصدا و صلوات و بسم الله که به خورد مردم داده شود، چیزی بیشتر از معاهدات ننگین "گندمک" و "دیورند" نیست. چه دو نکته افشاء شده که یکی برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان توأم با اگر و مگر و شرط و شروط است و دیگری تعهد به این که از خاک افغانستان به کسی اجازه داده نخواهد شد تا علیه کشور امریکا و متحدانش اقدامی صورت گیرد، در واقعیت امر چیزی به جز خیانت ملی نمی باشد. زیرا:

الف: قابل شدن زمان خروج برای نیروهای اشغالگر حتا اگر برای یک سرباز و برای مدت یک روز هم باشد، در واقعیت امر تأیید همان یک روز اشغال و حاکمیت برخاسته از آن است.

ب: سپردن تعهد به امریکا که از خاک افغانستان علیه امریکا اقداماتی صورت نخواهد گرفت، بدان معناست، که قبلاً چنین امری صورت گرفته و من بعد صورت نمی گیرد، یعنی تجاوز امپریالیسم در سال ۲۰۰۱ بالای افغانستان و اشغال این کشور از آن زمان تاکنون، بر مبنای حملاتی بوده که از افغانستان بالای امریکا صورت گرفته است. یعنی امریکا بر افغانستان تجاوز ننموده، بلکه در دفاع از خود سنگر مهاجمان بر امریکا را در افغانستان نابود نموده است. این یعنی پذیرش ادعای امریکا در تجاوزش علیه افغانستان و برائت دادن آن کشور در محضر تاریخ. در حالی که همه بعد از سپری شدن دو دهه از حادثه ۱۱ سپتمبر و افشای هزاران سند خوب می دانیم که نه تنها افغانستان در آن زمینه هیچ نقشی نداشته، بلکه در اساس انجام عمل توسط "القاعده" نیز زیر سؤال قرار دارد.

در نتیجه طالب با امضای این موافقتنامه عملاً حقانیت دفاعی مبارزات ما را به نفع مهاجمان اشغالگری نموده، چه خواهد و چه هم نخواهد در همین زمینه با دادن توبه نامه و اذعان به گناهی که مرتکب نشده بود، به آرمان شهدای پاکباز میهن نیز خیانت نموده و بر دستان خونین اشغالگران آب تطهیر بریزد.

۲- و اما به ارتباط موضوعی که کمتر کس بدان توجه دارد. یعنی "الحاف ملانصرالدین اتحاد شمال متوفا".

* - این را می دانیم که تا قبل از تجاوز جنایتکارانه امپریالیسم امریکا بر افغانستان و اشغال خونبار کشور ما، جنگها و درگیری های نظامی در افغانستان کلاً بین دو نیروی رقیب و متخاصم یعنی "طالب" و "اتحادشمال" مرکب از تنظیم های به اصطلاح جهادی آنروز منهای "گلبدین" و بقایای پرچم زیر نام "جنبش" جریان داشت.

* - امپریالیسم امریکا بر افغانستان لشکر کشید، طالب را از قدرت برکنار کرد، فرصت را به مخالفانش یعنی "اتحادشمال" مساعد ساخت، تا به ترکتازی و غارتگری شان بر افغانستان ادامه دهند. همزمان با آن، امپریالیسم امریکا کوشید تا جواسیس تکنوکراتش را از اقصا نقاط جهان جمع نموده، در پناه حاکمیت غارتگرانه افراد "اتحادشمال" سازماندهی نموده، به صورت آرام آنها را به قدرت برساند.

* - این روند که کلاً ۱۹ سال را در بر گرفت، فضائی را به وجود آورد که جواسیس تکنوکرات بتوانند با برخورداری از حمایت های اشغالگران به تنهایی به مثابه رقیب علیه افراد "اتحادشمال" و طالب اظهار وجود نمایند.

* - همزمان با آن امپریالیسم امریکا که خوب می داند جواسیس تکنوکراتش به تنهایی قادر به کنترل اوضاع نیستند، تلاش نمود تا عشق دیرین شان را به طالب دوباره زنده نموده، با آنها نیز عقد دایم به امضاء برسانند.

* - همان طوری که می بینید در این میان، افراد "اتحادشمال" با تمام طول و عرض عددی شان، گذشته از این که دیگر نقش رهبری کننده و مؤثر در معادلات قدرت ندارند، حتا کسی حاضر نیست به آنها نقش مستقل نیز قایل شود، مانده اند تنها و بیکیس.

* - در نتیجه از یک سو طالب می خواهد از آنها به مثابه سیاهی لشکر استفاده نماید و از جانب دیگر جواسیس تکنوکرات. تنها تفاوتی که بین دو خواستار وجود دارد، اولی می خواهد آنها را به مثابه "برده" برای دایم خرید نماید، دومی ها تلاش دارند تا از طریق "صیغه" برای مدتی آنها را با خود داشته باشند.

هموطنان گرامی!

"اتحاد شمال" متوفا با تمام طول و عرض و نامهای مطمئن نهاد های سازنده اش به نعش گوسفند محتضری مانند است که در زیر چنگالها و دندانهای دو گرگ خونخوار دست و پای می زند، گرگانی که هریک در تلاش است تا سهم بیشتری از آن نعش گندیده برایش بردارد.

دیده شود چه می شود!